



# ولایت امام علی علیه السلام

## در کتاب و سنت

در پاسخ به نوشته شیخ ابو سلمان عبد المنعم بلوچ که:  
«از علماء شیعه پرسید چرا در قرآن به اسم علی تصریح نشده  
است؟»

تألیف:

علامه سید مرتضیٰ العسکری



## ولایت امام علی علیه السلام در کتاب و سنت

مؤلف: علامه سید مرتضیٰ عسکری

ناشر: مرکز العلامة العسکری للدراسات الإسلامية

صفحه آرائی و طراحی جلد: واحد رسانه مرکز العلامة العسکری للدراسات الإسلامية

مشخصات نشر: چاپ اول ۱۴۰۱ شمسی

چاپ و صحافی: زلال کوثر

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۱۶۷-۶-۲

ISBN: 978-622-97167-6-2

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

رایانامه: [contact@alaskari.org](mailto:contact@alaskari.org)

تمامی حقوق اثر متعلق است به مرکز العلامة العسکری للدراسات الإسلامية

(حفظ و نشر آثار علامه عسکری)

[www.Alaskari.org](http://www.Alaskari.org)

## فهرست

پیشگفتار ناشر.....	۹
مقدمه.....	۱۹
پاسخ به اشکالات ابو عمر سجّودی.....	۲۵
موضوع اول) سنی شدن یک جوان شیعی.....	۲۷
موضوع دوم) بحث امامت و مهدویت.....	۴۱
گفتار اول) بحث امامت و امامتِ امیر المؤمنین علی <small>علیه السلام</small> .....	۴۳
مقدمه اول مبحث امامت علی <small>علیه السلام</small> در قرآن.....	۴۶
مقدمه دوم مبحث امامت علی <small>علیه السلام</small> در قرآن.....	۴۹
اهتمام رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> به امر تعیین اولو الأمر بعد از خود.....	۵۴
متن های وارد از رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> در تعیین ولی امر.....	۵۷
نمونه اول) سال سوم بعثت.....	۵۷
نمونه دوم) غزوه تبوک.....	۶۰
مراد از لفظ «مَنِّي» در احادیث رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> .....	۶۲
حامل علوم حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small> .....	۶۵
نمونه سوم) خبر روز غدیر.....	۶۹
تاج گذاری وصی <small>علیه السلام</small> .....	۷۵
بخش اول) روایات دال بر امامت ائمه اثنا عشر <small>علیهم السلام</small> .....	۷۷
حدیث ثقلین در حجة الوداع.....	۷۷
در غدیر خم.....	۷۷

- بخش دوم) روایات دال بر امامت ائمه اثنا عشر علیهم السلام ..... ۸۰
- حدیث تعداد ائمه علیهم السلام ..... ۸۰
- ائمه اثنا عشر علیهم السلام در تورات ..... ۸۵
- خلاصه احادیث گذشته ..... ۸۹
- تحیّر علماء مکتب خلفاء در تفسیر حدیث ائمه اثنا عشر علیهم السلام ..... ۹۰
- اسامی ائمه اثنا عشر علیهم السلام در مکتب خلفاء ..... ۹۸
- معرفی ائمه اثنا عشر علیهم السلام بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ..... ۱۰۰
- گفتار دوم) بحث مهدویت ..... ۱۰۹
- بشارت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در آخر الزمان ..... ۱۱۱
- ۱) نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۱۱
- ۲) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۱۲
- ۳) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از فرزندان فاطمه علیها السلام ..... ۱۱۳
- ۴) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از فرزندان امام حسین علیه السلام است ..... ۱۱۴
- علمائی از مکتب خلفاء که گفته‌اند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف همان فرزند امام حسن  
عسکری علیه السلام ..... ۱۱۵
- گفتار سوم) میراث علمی ائمه علیهم السلام ..... ۱۴۱
- الف) رساندن شریعت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به اوصیاء علیهم السلام ..... ۱۴۲
- ۱) دیدارهای تعلیمی منظم ..... ۱۴۲
- ۲) دیدارهای تعلیمی نامنظم ..... ۱۴۶
- دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به وصی اول علیه السلام ..... ۱۴۸
- تبلیغ دو نوع است ..... ۱۴۹

- آخرین دیدار تعلیمی ..... ۱۵۰
- ب) قیام اوصیاء علیهم السلام به نشر شریعت بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۵۲
- انتقال کتاب‌های علمی بین ائمه علیهم السلام ..... ۱۵۵
- الف) امامان علی و حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام ..... ۱۵۵
- ب) امام علی بن الحسین السجاد علیه السلام ..... ۱۵۷
- ج) امام محمد باقر علیه السلام ..... ۱۵۸
- د) امام جعفر صادق علیه السلام ..... ۱۵۹
- ه) امام موسی بن جعفر علیه السلام ..... ۱۶۱
- و) امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ..... ۱۶۲
- رجوع ائمه علیهم السلام به کتاب الجامعه امام علی علیه السلام ..... ۱۶۳
- توالی اسناد روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام به روایات رسول الله صلی الله علیه و آله ..... ۱۶۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ

هُمْ رَاكِعُونَ (المائدة: ٥٥).»

سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛

همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم أنبيائه محمد ﷺ  
و آله الطاهرين ﷺ و السلام على أزواجه أمهات المؤمنين و أصحابه  
المنتجبين الميامين.

در پاسخ به کتابچه‌ای که شیخ ابوسلمان عبد المنعم بلوچ به اسم جوانی  
به نام «محمد باقر سجّودی» منتشر کرده و در آن عنوان کرده: «از علماء  
شیعه برسید، چرا نام علی در قرآن نیست!» پاسخ می‌دهیم و [این پاسخ  
را] در ادامه با آوردن مطالبی از صفحات آن کتابچه آغاز، سپس - به حول  
و قوه الهی - جواب را به رشته تحریر در می‌آوریم.

ابو عمر محمد باقر سجّودی در مقدمه نوشته:

«الحمد لله رب العالمین و سلام و درود بر رسول خدا و آل و اصحاب او. اهل تشیع هر روز سه بار در اذان با صدای بلند و بر ملا می گویند: «اشهد ان علیاً ولی الله»، «اشهد ان علیاً حجة الله» و مدعی هستند که اذان آن‌ها از طرف خدا و اذان اسلام است. وقتی که این کتاب را مطالعه می کنید نکته بالا را همواره به خاطر داشته باشید. توجه به این نکته کمک شایانی به کشف حقیقت می کند.

و در صفحه آخر جزوه اش نوشته:

«این کتاب را بخوانید! این کتاب کوچک حاوی گفتاری بزرگ است از یک طرف یکی از معجزات جاوید قرآن کریم را بیان می کند از سوی دیگر ناتوانی و بی سوادگی و عجز دانشمندان شیعه را نشان می دهد.

امامت نزد اهل تشیع از اصول دین بلکه اصل سوم دین به شمار می رود ولی در مقابل این اهمیتی که برای آن قائلند هیچ ذکری ولو اندک در قرآن از امامت نشده و این در حالی است که قرآن از مستحبات و فروع دین صحبت می کند و علمای بزرگ شیعه من جمله «آیه الله خمینی» عاجزند علت نادیده گرفته شدن این مسأله در قرآن را به پیروان خود بیان بکنند و جواب این سؤال را بدهند که چرا قرآن کریم از امامت صحبتی نمی کند؟!»

لطف کتاب در این است که نویسنده ایرانی و خود اول، شیعه

مذهب بود و همه فامیل او تا اکنون شیعه‌اند و حتی ۳ سال در مدارس تهران تعلیمات دینی و امور تربیتی را تدریس می‌کرده و آخرین شغل او مدیریت مدرسه راهنمایی سلمان فارسی در میدان محسنی تهران بوده است!

اما الله جلّ جلاله او را هدایت کرد و مذهب باطل را ترک و به اهل سنّت و جماعت پیوست و برای عقیده خود مجبور به هجرت از ایران شد.

این کتاب کوشش مبارکی است برای هدایت ایرانیانی که هنوز از باطل بودن مذهب خود بی‌خبرند و بر هر شیعه لازم است این کتاب را مطالعه کند و مطالعه آن را به سنی‌ها نیز توصیه می‌کنم. این کتاب را بخوانید.

ابو سلمان عبد المنعم بلوچ»

و در صفحه ششم نوشته:

«و چنان که قبلاً گفتیم شیعه و سنی در هر چیزی که مربوط به حدیث است با یکدیگر اختلاف دارند اما در قرآن هیچ اختلافی ندارند حالا ما چون آن پسر باهوش تاجر باید به کمک قرآن که در آن اختلافی نیست احادیث صحیح را از احادیث باطل تشخیص دهیم و خادم اصلی را پیدا کنیم ما یک نشانه داریم یک نشانه پاک، حالا ما می‌توانیم حرف‌هایی را که به محمد (صلی الله علیه و سلم) نسبت داده شده را با ترازو و محک قرآن بسنجیم و راست را از دروغ تشخیص دهیم.

بیایید قرآن را بخوانیم و ببینیم در باره علی (رضی الله عنه) چه می‌گویید. در باره کسی که اساس و پایه مذهب شیعه بر او بنا شده و می‌گویند او جانشین رسمی پیامبر خاتم و برگزیده از طرف خدا است چند آیه دارد؟! در حدیث البته هزاران سخن به نفع علی و امامت او از طریق علماء شیعه روایت شده و ده‌ها حدیث بر ضد ادعای شیعه از طرف اهل سنت روایت شده پس حدیث در مرحله اول درد ما را دوا نمی‌کند. علاج در قرآن است. بیایید ببینیم که آیا قرآن از علی سخن می‌گوید؟ از امامت صحبتی می‌کند؟ در باره حسن و حسین و مهدی حرف می‌زند؟ این ما و این قرآن.»

و در صفحه نهم آمده:

«اَوَّلًا: اگر به فرض که حرف تو درست باشد، در آن صورت همان ایرادی که بر ما می‌گیرید بر مهدی تو وارد است، زیرا به خیال تو محمد (صلی الله علیه و سلم) ۱۲ امام را جانشین خود معرفی کرد. علی شهید گشت، حسن جانشین شد. بعد از حضرت حسن، حسین جانشین شد، تا مهدی. اما شما مهدی را ۱۲۰۰ سال پیش غیب کردید و کارخانه اسلام را بدون جانشین رها کردید و حالا در روی کره زمین هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من از طرف خدا رهبر مردم هستم. خوب چرا این کار مهدی را عاقلانه می‌دانید و کار محمد (صلی الله علیه و سلم) را دور از خرد می‌شمارید؟»

و در صفحهٔ چهل و دوم کتاب آمده:

«حرف آخر... من از پدر و مادری شیعه مذهب زاده شده و در کودکی و جوانی بر آن مذهب بودم و در پای منبر علمای شیعه، فراوان نشستم و کتب زیادی از اهل تشیع را مطالعه کردم تا آنکه خدا مرا به برکت قرآن هدایت کرد و مذهب شیعه را رها کردم. با توجه به این آشنایی به مذهب شیعه ترسم از این است برخی از علمای شیعه وقتی در مقابل سؤال ما و رسوایی عالم خود- خمینی- راه چاره را بسته دیدند دست به دامان تهیه تهمت بزنند و بگویند در کتاب کشف الأسرار آن چیزها نیست یا حتی ممکن است چاپ‌های قدیمی کتاب را جمع کنند و از سر نو بنویسند. ما مطمئنیم آن‌ها بهتر از خمینی نمی‌توانند به این سؤال جواب دهند ولو آن که کتاب کشف الاسرار را صد بار هم بازنویسی کنند ولی با این طرفند، ما را متهم به دروغگویی خواهند کرد تا مردم را از موضوع اصلی دور کنند و چند صباحی دیگر در گمراهی نگه دارند. ما از خواننده می‌خواهیم اگر از آن‌ها چنین حلیه‌ای دیدند، از موضوع اصلی دور نشوند و مصرانه جواب این سؤال را از آن‌ها بخواهند: چرا نام حضرت علی در قرآن نیست؟ چرا موضوع امامت در قرآن مطرح نیست؟ سخن پرسش‌گر منتقد تمام شد و در ادامه پاسخ او به حوله و قوهٔ الهی می‌آید.

# پاسخ به اشکالات ابوعمر سجّودی

این کتاب موضوعات متعددی را دربرگرفته که بررسی آنها ضروری است:  
موضوع اول: ابو عمر محمد باقر سجّودی فردی شیعی بوده و بعد از  
آن به مذهب تسنن گرایید!!

موضوع دوم: نویسنده در کتابش به سه مبحث زیر پرداخته است:  
مبحث اول: در صفحه هشتم آمده:

**الف.** «از علماء شیعه پرسید چرا در قرآن اسم علی به صراحت بیان  
نشده است؟» و کتاب را به همین عنوان منتشر کرده است و در پشت جلد  
نوشته: «شیعیان هر روز در اذان با صدای رسا در بین مردم سه بار اعلام  
می کنند: «أشهد أنّ علیاً ولیّ الله، أشهد أنّ علیاً حجّة الله»؛ و ادعا می کنند  
که اذانشان از جانب خدا نازل شده و این همان اذان اسلام است.»

**ب.** در صفحه هفتم آمده: «هیچ ذکری از علی و نه حتی از امامت او  
در قرآن نیامده است.»

**مبحث دوم: در صفحه نهم آمده:**

«خلفای پیامبر دوازده امام‌اند، این جاست که اشکال به شما باز می‌گردد، وقتی که می‌گویید پیامبر علی را و بعد از او یازده تن از اولادش را جانشین خود کرده است. در حالی که شما مهدی را ۱۲۰۰ سال پیش غایب کردید و امت اسلامی را بدون جانشین گذاشتید، و امروز احدی بر سطح کره زمین نیست که بتواند ادعا کند: وی خلیفه رسول خدا بر مردم است.»

**مبحث سوم: در صفحه هفتم آمده:**

از اوصیاء دوازده‌گانه پیامبر: «اگر علی حقیقتاً همان وصی پیامبر بود و اگر امامت از اصول دین بود و اگر علی معصوم و برتر از ابراهیم بود و سرانجام اگر امامان منبع [استنباط احکام] شریعت بودند...»

این‌ها مسأله‌هایی بود که ابو سلمان بلوچ به نام یک جوان «ابو عمر سجودی» مطرح کرده، کسی که وانمود کرده وی شیعی بوده و بعد از مذهب مکتب خلفاء پیروی کرده است! با استعانت از خدای متعال در جوابش مطالبی را می‌گوییم که در ادامه می‌آید.

# موضوع اول) سنی شدن یک جوان شیعی

موضوع اول: ادعای شیخ ابو سلمان که جوانی از پیروان مکتب اهل بیت بوده و این مکتب را ترک و پیرو مکتب خلفاء شده! با استعانت از خدا در جوابش می‌گوییم:

جناب شیخ ابو سلمان عبد المنعم بلوچ! نوشتی که جوانی شیعه و جاهل در ایران اعلام کرده که: شیعه بوده و به مذهب تسنن روی آورده و من می‌گوییم:

اولاً: آیا این جوان به یکی از علماء شیعه مراجعه کرده و از پاسخ به سؤالاتش قانع نشده است؟

ثانیاً: توبه کردار این جوان جاهل و گفتار او استناد کرده‌ای و ما می‌گوییم: تعداد زیادی از علماء و اساتید دانشگاه‌های مصر و سودان و مغرب و الجزائر و... وجود دارند که مذهب مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را بعد از مطالعه کتاب‌هایمان پذیرفته‌اند و این را در نامه‌هایی که برایمان نوشته‌اند، اعلام کرده‌اند و در

ادامه به حول و قوه الهی تصویر بعضی از این نامه‌ها را می‌آوریم:

### مورد اول: از کشور مغرب

أخوذ بالبدن من الشهداء  
الرجوع  
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين سار من الفاتح أجمعين والصلوة والسلام على سيدنا محمد  
وعلى آله الطيبين الطاهرين واجتهد أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلى  
يوم الدين

و بعد :

سلام عالمی جو طاعتنا بتبع الإسلام " مر کتبنا العسکری " ورحمة الله وبرکاته:

کتابت فیما بعد بعداً بامامی من ترتبت فیہ حساسیة التوهم والنفور من  
کلمة " شیعة " وکانت من أوهام فکری و هی بغضه لقرآن بعضی  
البلغاوات بردها " أن الشيعة ذرقة جملة طائفة حرموا القرآن واتهموا  
بإساءة الصحابة بالنزوير والافتان وأدعوا من الأراجيز والتهجمات حالاً  
بخطي علي بن أبي طالب و محسبان "

حسبني في هذا كله أنني قرأت " لألف " كتاباً إحساناً إلهي " وهو الشيعة  
والسنة و كتبت قوله حجة علي كد قول و بيانه كعبه كان بيان .  
لكن نشاء الله سبحانه وتعالى أن أفتني حجة كتابك الرابع " معالم في  
القدر لتدبير ج ( ٤ ) " بعد أن كان فيه حاصبه من الرا هديده . و صحت في  
قراءته و دفعه لظهوره صا أنتهيت إله وأنا أهنت من أحماد روح شاكرة  
" صمان الله عند ترجمت "

أفتم بالله العلي العظيم أبي الخن مولع بال البيت و لتبعهم وأهبت  
أشيد بذكرهم وأحبت بعدهم أسأل الله أن يجترينا وإمام عدأ يوم الفياض

لتدبير إلهي إلهي إلهي إلهي و طابت منك أن تقبلني تاجيداً خذك و عثري  
في هذا أنك لعدت طلك نفسك وإنا أنت طلك كد من صدك و يقرن

والسلام

## أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين بارئ الخلق أجمعين و الصلاة و السلام على  
سيدنا محمد و على آله الطيبين الطاهرين و صحبه أجمعين و من تبعهم  
بإحسان إلى يوم الدين  
و بعد، سلام بر سرورمان شيخ الإسلام «مرتضى العسكري» و رحمت  
خدا و برکات او بر شما.

در بخشی از دوران گذشته زندگی‌ام، از کسانی بودم که در جوّی از  
حساسیت و توهم و تنفر نسبت به کلمه «شیعه» تربیت [و بزرگ] شدم و  
این از اصول فکری‌ام بود و آهنگی ست که هنوز بعضی از طوطی صفتان  
تکرارش می‌کنند که «شیعه فرقه‌ای گمراه است، چرا که قرآن را تحریف  
کرده‌اند» و صحابه فاضل را متهم به تزویر و بهتان کرده‌اند و اراجیف و  
اباطیلی را مدعی شده‌اند که در هیچ ذهن و فکری خطور نکرده است.»  
در میان همه این‌ها برای من کفایت می‌کند که - متأسفانه - کتاب احسان  
الهی ظهیر را به اسم «الشيعة و السنة» مطالعه کردم و گمان بردم که قول  
او حجتی است بر هر قول و بیانش کعبه‌ایست بر هر بیان. لکن خداوند  
اراده فرمود و کتاب شگفت‌انگیزتان، جلد یکم «معالم المدرستین» را به  
صورت اتّفاقی به دست آوردم، آن هم بعد از آن که صاحبش بی‌رغبت به

---

۱. حقیقت این بهتان و سخن دروغ را در کتابی به ۳ جلد به نام: «القرآن الکریم و روایات  
المدرستین» تبیین کرده‌ایم.

مطالعه آن بود [اما اوقاتم را] در مطالعه و تورق آن گذراندم و [مطالعه کتاب را] به پایان نرساندم مگر از اعماق قلبی شکرگزار فریاد زدم «حَيَّاكَ اللهُ مِنْ رَجُلٍ [خدا زنده نگهات دارد، ای مرد بزرگوار]!»

به خداوند علی عظیم قسم می خورم که من الآن دلباخته آل البيت علیهم السلام و شیعیانشان هستم و از کسانی شدم که یادشان را زنده نگاه می دارم و مدحشان را به تفصیل می گویم و از خداوند می خواهم که ما و آنها را فردای قیامت با هم محشور فرماید.

سرورم! به من اجازه دهید جسارت به خرج داده و از شما بخواهم که مرا به عنوان شاگردی نزد خود بپذیرید و عذرم این بار این است که شما متعلق به خودتان نیستید و بلکه متعلق به هر کسی هستید که نسبت به شما محبت دارد و قدرتان را می داند.

و السلام

دار البیضاء<sup>۱</sup> - مغرب

مورد دوم: از مصر  
الف) از طرف استاد دانشگاه

FROM : DEPARTMENT PHONE NO. : 0856544423 Jan. 30 2001 07:01PM P2

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم (دامت له المراتب)  
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أرسل إليكم هذا الخطاب راجياً أن يبلغكم وأنتم من أتم صحة وتواؤمه نشاطكم في خدمة آل البيت (عليهم السلام) ومعناكم في وفاة مساحه آية الله العظمى محمد مهدي شمس الدين تغمه الله برحمته وجعله يرفقه محمد وآله الطاهرين وبسائرهم مع ترحمهم مع رؤسائهم ولجميعهم مساحه العلمانية حقيقياً لله.

لقد وفقنا الله تعالى إلى قراءة سيركم النيس (معالم لدرسيته) كما سمعت كثيراً عنه كتابكم (عبد الله بن سبأ وأصحابه أئمة) وكتابكم (مشهد وروايات صحابته) وحققتهم لدراسة كتابكم (معالم لدرسيته) في إعتقادي مذهب آل البيت (ع) وترسخ هذا الإعتقاد لدي ولدي الأكلية من كتبهم (أخبار آل البيت) في كتابكم كما ساهم المعلومات التي مناهنا من كتابكم (تاريخ ولباس في سيرة محمد) فإذ لنا التي كانت تراجم دانا بأرضه من طريق تلك الشخصيات (عبد الله بن سبأ) -- أدام الله عزه الشريف.

مساحه العلمانية  
أستودعني أنه أثيراً بغيره إلى الباطل لكم.

أ- شخصيتهم من كتابكم (عبد الله بن سبأ وأصحابه أئمة) وخصيتهم أنه إهدى إيشيه سوف تاور للذكور في استادا تاريخ العرب والإندلس بياحة مع مشهدين إهدى أكبر الجاهات بلعبره وقد أجرت عدة إبحاث حول هذه الشخصية إنتمه بنفسه إنشجيه إلى كونهم إيلاء وقد وفقنا الرغبية في الإطلاع على كتابكم إليكم إلى أنه الملبت له إهدى لهذه إيشيه شخصيتهم (مشهد وروايات صحابته) معتمداً.

ك- أرجو أنه تحايوا هذه إيشيه بإعتقادكم الشريف.

وأخيراً نتمنى هذا الخطاب بأنه طلب من مساحتكم أنه تتشاورنا بإصلاح إيماننا والبرصية والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.